

Imam Khomeini's Sports Independent View on Reason, Customs and Courage in Issuing Fatwas

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Pariya Mikailzade¹

Yagob Pourjamal^{2*}

Saied Hasanzade Delgosha³

How to cite this article

Pariya Mikailzade, Yagob Pourjamal, Saied Hasanzade Delgosha, Imam Khomeini's Sports Independent View on Reason, Customs and Courage in Issuing Fatwas, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2022:6(1): 614-619.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: yraz.pourjamal@gmail.com

Article History

Received: 2022/02/09

Accepted: 2022/05/04

ABSTRACT

Imams view of custom and the way of the wise is a new and different view and the position that he considers the intellect as an element in the good and bad cognition of things and actions puts the intellect in the breadth of three other sources and emphasizes the manners of rationalism and customaryism and they were also customary that is based on his customary attitude on the analysis of customary rules. In the school of Imam both ideas although acting independently are not in opposition. The Imam looks at the work of custom with a customary view without knowing the rule of reason in recognizing the truth. It considers it as a criterion until the custom does not lose its accuracy and does not become negligent. The purpose of this article is to study the new and independent view of Imam Khomeini in mysticism and central reason of the evolutionary methods of the science of principles in Imam Khomeini's school. The results of the study show that the Imam's view on the custom and manners of the wise and the intellect is a new and changing perspective and each of these two elements is an independent guide in inferring the sharia rules.

Keywords: Wits, the Custom of the Wise, Inference, Principles of Jurisprudence

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴

* نویسنده مسئول: yraz.pourjamal@gmail.com

مقدمه

امروزه احکام اسلامی در زمینه مسائل و موضوعات مستحدثه ونو ظهور محکم می شود و خود در معرض ابتلا و آزمایش است پویایی وبالندگی فقه به پیشرو بودن اصول فقه و بسته به حرکت علمی و کوششهای اجتهادی و استفاده از روشهای مناسب استنباطی علماست علمای اسلام از سالها پیش به این تحول اشاره کرده اند چنانچه شهید اول می فرماید جایز است احکام با تغییر وتحول عاداتها تغییر و تحول یابد همانند نفوذ متعارفه و اوزان متداول و هزینه زنها واقارب چون آنها از عادت زمانه ای پیروی می کند که در آن واقع شده اند ونیزتقدیر عواری وعواید (۱)

حضرت علی می فرماید عنصر زمان و مکان دارای تاثیر در تحول اجتهاد است (۲)

یکی از نیروهای درک کننده و تحلیل گر انسان نیروی عقل است تا خوب و بد را تشخیص دهدبا رجوع به آیات قرآن و روایات وتوجه به امر شارع بر لزوم تعقل و تفکر، نشان می دهد عقل توان فهم و درک احکام شرعی را دارد چه، در غیر این صورت این توصیه لغو وبیهوده می نمود و به اصطلاح، تمام داده ها درکارگاه عقل و اندیشه تحلیل و تفسیر و طبقه بندی می شود و در نهایت گزاره ای استنتاج می شود(۳)

امام خمینی در مکتب اصولی خود، برای ورود به فقه پویا قدم بر می دارد و با برخورداری از جهان بینی شریعت واقعی وآگاهی ازنیازهای روز جامعه خود و جوامع دیگر و نیز عدم نفوذپذیری از سنت ها و آرای علمای قبل از خود، از محصور شدن درتجرب و جمودو ظاهرگرایی خودداری می کند مکتب اصولی امام نشان می دهد برای خروج اصول فقه از حالت رکود وحرکت به طرف پیشرفت برنامه دارد و پاسخگوی قاطع با صدور فتوای شجاعانه برپایه عقل و دوری از احتیاط هایی است که مدرک معتبری ندارد و جز به نمایش گذاشتن چهره سختگیرانه از اسلام عایدی دیگری ندارد می باشد

ابن ادریس درالسرایر به روشنی عقل را به عنوان یک منبع استنباطی مطرح کرده و بیان کرده برای صدور احکام شرعی درزمانی که حکمی در کتاب و سنت و اجماع نباشد می توان به دلیل عقل تمسک کرد(۴)

اگرچه عده ای به علت نص گرایی هیچ جایگاهی به عقل در فهم شریعت قائل نشدند اما امام به عقل بشر، به عنوان ابزاری برای تشخیص و درک احکام توجه کرده و همچنین عرف و سیره عقلا نیز در مکتب امام جایگاهی ویژه دارد ایشان حکم عقل را با بنای عقلا متفاوت می دانندبطوری که ایشان برای حکم عقل، حجیت ذاتی قایل است اما در حجیت سیره عقلا، به امضای شارع قائل است حدود و قلمرو احکام توسط شارع مشخص شده اما در مواردی حدود مشخص نشده یا تعریفی از موضوع یامتعلق حکم نشده در این گونه موارد علمای شیعه عرف را، تنها مرجع شایسته دریافت این حدود و موضوع احکام دانسته اند اعتبارسنجی منابع فقه وبررسی حجیت آنها از وظایف فقیه است و مورد توجه علم

پریا میکائیل زاده خیابوی^۱

دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق، واحدتبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

یعقوب پورجمال^{۲*}

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

سعید حسن زاده دلگشا^۳

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

دیدگاه نو و مستقل امام در عرف گرایی و عقل محوری از شیوه های تحولی علم اجتهاددر مکتب امام خمینی می باشد نتایج بررسی نشان می دهد نگاه امام در مورد عرف و وسیره عقلا و عقل نگاهی تفکیکی، نو و متحول است طوری که هر کدام از این دو عنصر، راهگشایی مستقل در استنباط احکام شرعی می باشد. امام به هردو اندیشه عرف گرا و عقل گرا توجه مستقل وتفکیکی دارد وهردو را راه گشا در صدور احکام واستنباط معرفی می کندعلما وعلم پژوهان ازعقل به عنوان یکی ازمنابع احکام یاد کرده ودر پژوهش های خود به ویژه در حوزه فقه وتولید فتوا استفاده کرده اند. جایگاهی که امام به عقل به عنوان عنصری در شناخت حسن وقبح اشیا و افعال قایل است،ارزشمند است چنانکه درتولید فتواها ی جسورانه خصوصا در حوزه علم وسلامت نیز سرآمد است این نگاه امام،عقل را در عرض سه منبع دیگر قرار می دهد وضمن تاکیدبه عقل وکارکردش، به عرف وسیره عقلا درمداقه احکام الثقات داشته درعین حال عرف نگر نیز بودند یعنی در تحلیل قواعد عرفی نگرشی عرفی را مبنا قرار می دادند، اما تا جایی که تشخیص عرفی دقت لازم راداشته باشد و به مسامحه روی نیاوردوپویایی وبالندگی فقه را جوابدهی به مسایل مستحدثه با صدور فتوای مناسب با توجه به تغییر رویه وعاداتها وبا تکیه بر عنصر زمان ومکان ضروری می دیدواستنتاج ارای اجتهادی را بابسنده بر منابع عبادی کافی نمی بیندامام تحولی بنیادین دراجتهاد ایجاد کرد طوری که در مکتب اجتهادی ایشان صدور فتوای جسورانه با استعانت ازعقل و عرف وتوجه به زمان ومکان وبالاتراز آن مصلحت فردی واجتماعی مشاهده می شود.این نوگرایی در عصر حاضر نیز بشدت ضروری است.

کلید واژه: عقل، عرف، سیره عقلا، استنباط اجتهاد

اصول قرار گرفته است تحول در اجتهاد تحول در شریعت نیست بلکه در مناسبات و ملاکات احکام و موضوعات است اما این تحول باعث تغییر حکم نمی گردد بلکه چون موضوع جدیدی حادث شده نیازمند حکم جدید برای موضوع جدید به حساب می آید بسنده کردن برمسائل فردی و عبادی در بهره گیری از اجتهاد، درست نیست چون نمی توان به وسیله آنها بر مشکلات و نارسایی ها غلبه کرد.

سوال این است آیا در مکتب متحول امام خمینی عقل و عرف جایگاه مستقل دارند ؟ امام در صدور احکام به هردو منبع عقل و عرف توجه داشته است ؟ آیا مسایل مستحدثه می تواند زمینه ساز فتوای جدید در مکتب اجتهادی امام خمینی باشد ؟ برای پاسخ به سوالات ابتدا مفاهیم عقل و عرف بررسی میشود.

مفهوم شناسی عقل و نظر امام خمینی

عقل به معنای خرد و دانش و علم و قوه دریافت صفات اشیا از حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر و غیره می باشد ذیل واژه عقل و در زبان عربی، به معنی رشد، خرد و علم، قلب، تأمل در کارها قلعه، حصن و دیه به کار رفته است (۵)

عقل، در لغت به معنی نهی، امساک، حبس و جلوگیری است واطلاق های دیگر از همین معنا گرفته شده است در بررسی و مرور معانی مختلف ذکر شده واژه عقل در کتاب های لغت به این نتیجه می رسیم که معنای اصلی عقل، منع و جلوگیری است و در این معنا دو جنبه معرفتی و ارزشی لحاظ شده است یعنی عقل، منشا معرفت است معرفتی که انسان را به راه راست و اعمال نیکو رهنمون می شود و رسیدن به راه راست مستلزم شناخت اعتقادات درست و مطابق با واقع است و لازمه اعمال نیکو، شناختن حسن و قبح اشیا و افعال است بنابراین می توان گفت عقل چیزی است که عقاید درست و اعمال صالح را به انسان می نمایاند (۶)

عقل گرایی نوعی نگرش مثبتی بر معرفت های مستقل عقل (مستقلات عقلیه) است و بر حجیت آن در شناخت احکام دین صحه می گذارد و روش تفسیر ظواهر و نصوص را می پذیرد و به عبارتی عقلی مشربان بر عقل و مبادی بدیهی و نظری عقل در دین شناسی تاکید می ورزند (۷)

یعنی عقل، ابزاری در خدمت منابع و ادله دیگر است که برخی محققان به آن کاربردی آلی عقل می گویند (۸) و همگان نقش و جایگاه عقل را به عنوان ابزار استنباط پذیرفته و در عمل به آن استناد کرده اند.

عقل علاوه بر مسائل اعتقادی چون اثبات وجود خدا که قطعاً به وسیله ی کتاب و سنت ممکن نیست ،در مورد حجیت قرآن و سنت و کلام پیامبر نیز نقش آفرین و توانمند است عقل در نفی حکم در جایی که دلیلی بر وجود تکلیف از ناحیه شارع وجود ندارد به حکم قاعده قبح عقاب بلا بیان حکم به براءت و نبود تکلیف می دهد و گاهی نیز در پاره ای از موارد حکم به احتیاط و تخیر می کند (۹)

عقل را به دو دسته نظری و عملی تقسیم می کنند و طبق این تقسیم علما معتقدند عقل نظری مربوط به نظر و درک هست ها

و نیست هاست اما عقل عملی مربوط به عمل و درک باید ها و نباید ها ست (۱۰)

در مکتب اجتهادی امام خمینی توجه به هردو دسته عقل نظری و عملی بادقت توأمان به شرایط و مقتضیات زمان مشاهده میشود. قلمروی عقل تمام حوزه های علمی را در برمی گیرد حکم عقل و دلیل عقلی در مواقعی که فهم نصوص روشنی و وضوح کافی را نداشته باشد کارساز است لازم است علما در بزنگاهایی که نیاز به اجتهاد و دسترسی به حکم اجتهادی ضروری است مثل حوزه پزشکی یا سیاست ،اقتصاد و..... علمای فقیه وارد شده و نظر قطعی را باتوجه به عقل و دلیل عقلی ارایه دهند چراکه پوشیدگی و ستر کلمات در بعضی کلمات نصوص نقش عقل و حکمش را باتوجه به قدرت تشخیص آن در تشخیص حسن و قبح و افعال و اشیا پررنگ تر می کند. امام خمینی بعنوان فقیه زمان شناس با تکیه بر عقل و قدرت آن در حوزه های مختلف همچون پزشکی صاحب سبکی نوین در فتوای ایشان در مورد لقاح مصنوعی و مجوز به اعطای اعضای فرد متوفی با هدف سلامت بخشی به بیماران و نجات خانواده از فروپاشی و..... بسیار حایز اهمیت است امام به عرف و سیره عقلا نیز بعنوان عنصری مستقل توجه کرده و در تعیین حدود حکم و تشخیص معیارهای آن از عرف و سیره عقلا نیز استعانت گرفته و این نشان می دهد حرکت به سوی فقه پویا با کمک از عرف و عقل و راه گشایی آنها مورد توجه امام بوده و در حال حاضر نیز حرکت به سوی آن ضروری است .

مفهوم شناسی عرف و سیره عقلا و نظر امام خمینی

عرف در لغت به معنای معروف مقابل منکر به کار رفته است (۱۱) و در اصطلاح شیوه و روشی است که مردم آن را پذیرفته و براساس آن حرکت میکنند خواه در گفتار باشد و یا در کردار (۱۲)

حدود و قلمروی بسیاری از احکام شرعی را شارع روشن ساخته اما در مواردی شارع به تشریع حکم پرداخته اما تعریفی از موضوع و حدود و متعلق آن ارائه نکرده است علمای شیعه در این موارد عرف را تنها مرجع شایسته این گونه دریافت هادانسته اند مثلاً تشخیص مفهوم غنا به عرف و واگذار شده یعنی آنچه از دید عرف غنا به شمار می رود با توجه به اینکه عرف به مرور زمان و با توجه به ویژگی های زمانی و مکانی دگرگونی می پذیرد در نتیجه دیدگاه عرف در مورد عنوان های بعضی مفاهیم و..... دگرگون می شود چنانچه شیخ مفید در مورد اختلاف دگرگونی عرف ها در مکانهای گوناگون معیار را عرف کیلی و وزنی و عرف غالب می داند (۱۳)

عرف هر زمان و مکان برای آن زمان و مکان ارزشمند است چه بسا عرف در یک جامعه پسندیده و در جامعه ای ناپسند است گاهی ماخذ در تشخیص موضوع عرف است یعنی در مضامین الفاظ به سراغ عرف و کلید واژه های آن می گردیم اما گاهی حکم موضوع متحول نمی شود و ثابت است مثل خطابات شرعی عرف در برداشت از الفاظ و مصداق آن درست عمل می کند در این صورت این عرف حجت است طوری که شارع تعیین حدود و معیار را به عرف واگذار کرده همانطور که در بالا هم اشاره کردیم غنا اگرچه حکمش حرام است اما اهنگی که غنا حساب شود به عرف آن جامعه واگذار میشود

ترس شدید از آخرت هنگام فتوا و استنباط و این موجب شده که حکم صحیح استخراج نشود» انما یریدون ان یفتوا یخافون «نباید افتا تحت تاثیر ترس باشد آنچه ممنوع است افتا بدون علم است این افراد در بیشتر موارد قایل به اصالت الحظر و الاحتیاط هستند نه اصالة البرائة امام در بحث تجری از اعتقاد درباره آخرت، نیز به تولید اندیشه اصولی رسیده اگرچه آن را از قواعد کلامی می داند اما معتقد است از دل یک قواعد کلامی اندیشه اصولی خارج شده است ایشان اگرچه تجری را قبیح می داند و جراتی میدانند که انسان در درون خود پیدا می کند اما برخلاف بسیاری از اصولیون آن را مصداق معصیت نمی داند این نشان می دهد امام ترسی در تولید آرای اصولی مستقل ندارد حکم ولایت مطلقه فقیه درامر حکومت و مجوز امام خمینی به پزشکان در امر لقاح مصنوعی که گونه ای از فناوری و کمک باروری است که برای مقابله با ناباروری و در فرایند اجاره رحم مورد استفاده قرار می گیرد یا در حوزه ورزش و سرگرمی صدور حکم حلیت شطرنج و..... بسیاری فتاوا از این دست از ایشان صادر گشته که از شجاعت روحی و مستقل اندیشی و توجه به عنصر زمان و مکان در اجتهاد و وجه همزمان ایشان به عقل و عرف و سیره عقلا نشأت گرفته و شجاعت روحی و استقلال فکری ایشان در زمینه اجتهاد و پس زدن و دور شدن از احتیاطهای متحجرانه است امام عرف و عنصر زمان و مکان را در اجتهاد موثر دانسته طوریکه شرط اجتهاد را تفکیک مباحث عقلی از عرفی دانسته چراکه از آمیختن آنها خطایی راهبردی حاصل میشود. امام خمینی الرسائل (رساله الاجتهاد والتقلید)

نیاز عقل به نقل و سایر منابع با وجود توانمندی بسیاری از حقایق دینی فراتر از گستره عقل است فهم عمیق تمام مطالب قرآن بدون مراجعه به روایات ائمه و همچنین بسیاری از احکام و علت تشریع، آن از توانایی عقل خارج است یعنی عقل شاید احکام شرعی را از غیر شرعی تمیز دهد اما نوع تشریع و علت حکم را نمیتواند درک کند و همینطور نمیتواند در جزئیات احکام فقهی و استثنایات آن ورود نمایند یا خودشناسی و معرفت نفس و شناخت کامل خدا و اسما و صفاتش بدون کمک از شرع امری ناممکن است همچنانکه شناخت حقایق معاد و سرای ابدی نیز از حیطه توانایی عقل خارج است بعبارتی لزوم شناخت هر چیزی احاطه و تسلط بر آن است و اما عقل نمی تواند به هر چیز احاطه کرده و آن را بشناسد دلیلش این است عقل خود، مخلوق است نمی تواند بر خاکی احاطه یافته و او را بشناسد پس عقل بر هر چیزی عاجز شد انسان را به نقل و سایر راههای شناخت دعوت می کند.

به این ناتوانی ملاصدرا نیز اشاره میکند و می فرماید: شناخت اسما و صفات خداوندی که در نهایت عظمت است به دست آوردن آن صفات با عقل فلسفی و مباحث فکری ممکن نیست عقل این مطالب عالی را حتی به واسطه مطالعه و دقت در قوانین متعدد و متکثر هم نمی تواند کشف کرده و بفهمد صدر الدین شیرازی

اما در عین حال بسیاری مطالب نیز هستند که عقل در کنار نقل قادر به درک آن است مثل مفاهیمی چون علت نیاز به خداوند هدفمند بودن خلقت حسن و قبح اشیا و افعال، مصاح و مفسد و وحی و ارسال پیامبران و لزوم شکر گذاری منعم اموری عقلی هستند چنانچه اگر

امام خمینی عرف را بانام سیره و بنای عقلاییه هم نام برده و در تعریف آن، آن را واژه مجعول و تاسیسی از سوی شارع مقدس نمی داند بلکه تعریف عرف را به خود عرف واگذار کرده است در کنار این واژه از واژه عقلا امور عقلاییه و الامارات العقلاییه، بنا العقلاء و عمل العقلاء.... نام می برد و بنای عقلا را چنین معرفی می کند عقلا در تمامی اموری که به زندگی، سیاست و دادوستد هاشان مربوط می شود به اماره عقلایی عمل

می کنند (۱۴)

امام هرچند در تعریف عرف از واژه عقلا نیز استفاده کرده است، اما این دو مورد را یگانه ندانسته است سه دیدگاه در مورد عرف

عرف به سه دسته ی ممضاء، عرف مردوع و عرف مرسل تقسیم شده که درباره پذیرش عرف ممضاء و عدم پذیرش عرف مردوع اختلافی نیست اما آنچه جای بحث دارد عرفی است که درباره آن منع وردعی و یا امضایی وجود ندارد لذا عده ای حجیت آن را بی نیاز از امضای شارع می دانند و عده ای بین حکم عقل و عرف هیچ اختلافی قائل نیستند و بر ملازمه بین حکم شرع و عرف قایلند و حجیت و اعتبار عرف را در کاشفیت آن از حکم عقل می دانند و عرفی را معتبر می دانند که شارع امضا کرده باشد این امضا و رضایت شارع با عدم ردع شارع نیز اخذ می شود و یا اینکه ردع شارع ثابت نشود که این هم نوعی امضای شارع را می رساند و در آخر با سکوت شارع نیز رضایتش احراز می شود امام خمینی عدم ثبوت ردع شارع را دلیل امضای شارع در اعتبار عرف می داند که به نوعی عدم نهی شارع را می رساند و در تصریح می کند اگر عرف نزد شرع پذیرفتنی نبود باید از عمل به آن نهی می کرد و در اثبات مقبولیت آن همین بس که شارع از آن نهی نکرده است امام در مواردی که عرف با دلیل شرعی مخالف باشد علیرغم دیدگاه سایر علما معتقد است روایت ضعیف توانایی ردع عرف را ندارد و همچنین ادله امارات را جایی مقدم بر عرف و امارات عقلایی می شمارد که اماره مورد نظر از امارات عرفی و قانون گرایی شمرده نشود و فقط در این صورت مقدم بر عرف شمرده می شود در باب امارات نیز در این باره (مرجعیت عقلا) مبنای بسیار مهمی دارد و معتقد است امارات رایج در اصول از امارات عقلایی هستند و عقلا در حوزه امور اجتماعی و سیاسی بدان استناد می جویند و آنها را معتبر می شمارند و شارع خود از عقلا است. از این روی نیازی به جعل ندارند و جعل درباره آنها بی معناست. حضرت امام بدین سان جایگاه واقعی عرف و عقلا را می نمایاند و آن را از عناصری می داند که در استدلال های اصولی و روش تحقیق آن باید به عنوان سند و دلیلی مهم در نظر گرفته شود. نجفی می فرماید: عرف مرجع در هر لفظی است که شارع برای آن حدود و معیاری مشخص نکرده است موضوع حکم شرعی اگر از عرف گرفته شده باشد برای تشخیص و شناخت آن به عرف مراجعه و اگر از معنای خاص شرعی گرفته شود عرف در تشخیص مصداق آن نقشی ندارد.

شجاعت امام خمینی در تولید آرا و توجه به دو عنصر زمان و مکان ترس و تاثیر پذیری و محصور شدن ذهنی در آرای اصولی قبل از خود از جمله موانع شجاعت در تولید آرای درست و جسورانه است اندیشه اصولی بسیاری از فقها از مبانی فکری اخباریون نشأت گرفته یعنی

و ارکان آن نشأت گرفته و لزوم حرکت به سوی قفه پویا متناسب با زمان باتوجه به سیره و روش امام خمینی احساس می شود.

References

The Holy Quran

1. First Martyr Muhammad Bin Makki, Al-Qawam and Al-Fawayd, Volume One, Qom, Publisher of Maktaba Al-Mufid, Bita
2. Imam Khomeini Ruhollah, Noor Book, Volume 21, Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, 1279 AH
3. Saeed Shariati and Hossein Qafi, Principles of Applied Jurisprudence, Volume 2, Qom, Hozha University Press, first edition.
4. Ibn Idris Muhammad bin Jafar, Al-Sarayer, Qom, Mosseh Al-Nashar al-Islami, Volume 1, 1410, A.H
5. Ibn Faris Ibn Zakariya Labi Al-Husayn, The Book of Al-Maqais Al-Laghha, Volume 9, Beirut, Dar al-Ahiya al-Tarath, 1429 A.H.
6. Reza Brinjkari, The Nature of Reason and the Conflict of Reason and Revelation, Critic and Comment Magazine of the first year, numbers three and four of the year 74 13
7. Karimi Meleh Ali, religious rationalism and political development, Qobsat Quarterly, third year, 1377
8. Alidoost Abolqasem, Fiqh and Aql, Tehran, Publications of Islamic Culture and Thought Research Center, 4th edition 2006
9. Shirazi Sadr al-Din 1363, Mofatih al-Ghaib, edited by Mohammad Khajawi, Tehran Cultural Research Institute-
10. Asghari Mohammad, Justice and Rationality in Jurisprudence and Law, Tehran, Information Publications, 2nd edition, 2016
11. Ibn Manzoor Muhammad, Lasan al-Arab, annotated by Ali Shirazi, Beirut, Dar al-Ahiya al-Tarath, volume 9, 1408, A.H.
12. Sobhani Tabrizi Jaafar, Musadar al-Fiqh al-Islami and sources, volume 1, Qom, publisher of Imam Sadiq Institute, 1427 AH

انسان تربیتی درست و دینی داشته باشد سلامت و کارایی عقلش نیز در شناخت مصالح و مفاسد امور بیشتر میشود و تصمیم گیری براساس مصلحت دنیا و آخرت نیز برایش ممکن میگردد.

نتیجه گیری

جستار فوق ضمن پذیرفتن کارکردهای نص و عقل و همچنین سیره عقلا در استنباط احکام، تأکید می کند نه افراط و نه تفریط پذیرفتنی نیست و برای داشتن یک رویه میانه توصیه آن برای تحول اجتهادی ابتدا لازم است محدودیت های عقل را که بعنوان یکی از منابع استنباطی بیان شد در نظر بگیریم تا استفاده توأمان از عقل و نقل را مخالفان عقل و نیز ظاهرگرایان درک نمایند و اجتهاد را همراهی عقل با نقل و توجه به عنصر زمان و مکان و مقتضیات آن بدانند تکالیف همه مستقیم در اخبار وجود دارد و مستلزم استخراج از روایات به کمک عقل می باشد پس اصول عملی زمانی حجیت دارد و عقل و دستورات او مثل قبح عقاب بلایان و تکلیف مالایطاق زمانی قابل پذیرش است که دلیل شرعی بروجود تکلیف وجود نداشته باشد و گرنه نمی توان به براءت حکم کرد در مورد حرمت یا عدم حرمت عملی مشکوک یا عملی که در مورد انجام و عدم انجام آن شک داریم باید برایت جاری شود مثل کشیدن سیگار و باید مطیع عقل و اوامرش شد اما ظاهرگرایان جستجو در مدلول حدیث و قرآن آن را صحیح نمی دانند به اعتقاد آنان سازماندهی اصول فقه به دست غیرشیعه بوده و روش آنان در پردازش علم اصول مقبول معصومین نبود و امامان به صراحت با برخی از آن نظرات مثل قیاس مخالفت کرده اند بنابراین استناد به اصول فقه را استناد به اصول فاسده می دانند چنانچه استرآبادی مشاجرات علما در اصول فقه و اختلاف نظر آنان را به خاطر دخالت دادن عقل در حریم شرع می داند و تمسک به عقل و استدلال عقلی را در امور دینی توأم با خطا می داند اما با اینکه اخباریون تضعیف شدند اما تفکر اخباری که باعث تضعیف جریان عقل گرا شده بود هنوز هم در میان برخی متفکران شیعه دیده می شود طوری که برگشت به سده های قبل و احتیاط های مکرر در نظریه پردازی هانمونه ای از این تفکر اخباری در عصر جدید است

عقل و سیره عقلا با نیروی دوسویه قادر به استنباط احکام است و این مورد راهیچ عالم حاذقی انکار نکرده است آثار امام خمینی نیز بران صحنه میگذارد انسان نیز به کمک عقل توان فهم و درک حسن و قبح افعال را دارد و سیره عقلا نیز در این مسیر یاریگراست عقل بشر نیز رو به تکامل و در مسیر تکامل رهیافت هایی عقلایی است مثلاً تغییر رفتار انسان در تغییر شکل مجازات مجرم نمونه ای از تغییر بناهای عقلایی در مسیر تکامل عقل است این لزوم توجه به عقل و ارزش گذاری آن را مشخص می کند قرآن نیز بر خرد و خرد ورزی تأکید کرده و در پاره ای از آیات اهل ایمان را به تعقل و اندیشیدن و پندگرفتن دعوت نموده مثل آیه ۲۹ سوره صاد یا آیاتی از بی خردی و عدم تعقل نهی کرده آنچنان که آنانی را که تعقل نمی کنند بدترین جنبندهاگان در نزد خدا یاد کرده سوره انفال آیه ۲۲ با توجه به موارد فوق لزوم توجه به عقل و عقل گرایی، درکنار نص و همچنین عرف و سیره عقلا، که حتماً از عقل جمعی به عنوان عناصر

13. Sheikh Mufid, Al-Maqna, Qom, Islamic publications affiliated with the Madrasin community, B
14. Imam Khomeini, Ruhollah, Anwar al-Hadaye in the summary of Ali al-Hadaye, Volume 1, Tehran, Institute of Editing and Publication of Imam's Writings, 1st edition, 1372 A.H.